انعکاس متفاوت لزوم یقین به وقت نماز، در فتوای

چیزی که می‌خواهم عرض کنم، کنار هم قرار دادن چیزی است که همه قبول دارند. یعنی همانهایی که بعد از صاحب کفایه بحث را به آن فضا بردند، در همین فضا ادله و روایاتی را ما خواندهایم، ببینیم در متن کتب فقهی چطور آمده است.

مرحوم سید در عروه در احکام مواقیت به این صورت شروع می‌کنند. من خیلی سریع می‌خوانم. ببخشید! چون هم خودتان مسائلش را می‌دانید و هم مسائل گسترده و لطیفی است که نمی‌توان با بسط گفت. لذا آن جایی که منظورم می‌باشد را می‌گویم.

> **لا يجوز الصلاة قبل دخول الوقت ، فلو صلى بطل وإن كان جزء منه قبل الوقت ، ويجب العلم بدخوله حين الشروع فيها ، ولا يكفي الظن لغير ذوي الاعذار، نعم يجوز الاعتماد على شهادة العدلين على الأقوى وكذا على أذان العارف العدل وأما كفاية شهادة العدل الواحد فمحل إشكال وإذا صلى مع عدم اليقين بدخوله ولا شهادة العدلين أو أذان ، العدل بطلت إلا إذا تبين بعد ذلك كونها بتمامها في الوقت مع فرض حصول قصد القربة منه[1]**

«لا يجوز الصلاة قبل دخول الوقت ، فلو صلى بطلت وإن كان جزء منه قبل الوقت»؛ حتی نصف تکبیر را قبل از زوال شروع کند نماز باطل است. **«و يجب العلم بدخوله حين الشروع فيها و لا يكفي الظن لغير ذوي الاعذار»؛** ظن کافی نیست. ببینید در همان ادله «استیقنت» هم بود. صاحب وسائل هم آورده بودند. در اینجا هم می‌فرمایند: «و لا يكفي الظن».

«نعم يجوز الاعتماد على شهادة العدلين على الأقوى وكذا على أذان العارف العدل وأما كفاية شهادة العدل الواحد فمحل إشكال».

آن چه که منظور من است، این است که ببینید در اینجا کسی با سید مخالفت می‌کند. الآن شما می‌گویید «یجب»؛ باید یقین به دخول پیدا شود، خب سؤال؛ کسی که الآن یقین به زوال ندارد وجوب صلات دارد یا ندارد؟ اگر مثل صوم بگویید یقین ندارد چون یقین است که وجوب می‌آورد؛ وجوب الصلاة المنوط بیقین بدخول الوقت، فاذا کان شاکا فلا وجوب. اگر به این صورت بفهمیم می‌دانید بعداً سید چه می‌فرمایند؟ هیچ کسی هم حاشیه ندارد. یعنی همه موافق با این هستند که درست است که یقین شرط ادا است اما شرط واقعی نیست که یقین جزء موضوع وجوب بشود. می‌فرمایند:

«و إذا صلى مع عدم اليقين بدخوله والشاهدة العدلين أو أذان ، العدل بطلت»؛ اگر بخواند باطل می‌شود. **«إلا إذا تبين بعد ذلك كونها بتمامها في الوقت مع فرض حصول قصد القربة منه»**؛ نماز را خواند و باید هم یقین را تحصیل کند، اما نکرد، حال که نکرد نماز باطل هست یا نیست؟ اگر یقین شرط موضوع است که اصلاً امر ندارد. اگر هم کل آن را در وقت خوانده باشد برای او امری نبوده است. چون فقط وقت ثبوتی که می‌زان نیست. برای او امر نبوده است. اما می‌گویند: «إذا تبين بعد ذلك كونها بتمامها في الوقت»، نماز صحیح است.

مسأله بعدی را هم عرض می‌کنم؛

> 29:49

> **مسألة ٢ : اذا كان غافلا عن وجوب تحصيل اليقين أو ما بحكمه فصلى ثم تبين وقوعها في الوقت بتمامها صحت ، كما أنه لو تبين وقوعها قبل الوقت بتمامها بطلت ، وكذا لو لم يتبين الحال ، وأما لو تبين دخول الوقت في أثنائها ففي الصحة إشكال ، فلا يترك الاحتياط بالإعادة[2]**

«اذا كان غافلا عن وجوب تحصيل اليقين»؛ باید یقین را تحصیل کند و کاملاً غافل است، نماز را خواند، **«ثم تبين وقوعها في الوقت بتمامها صحت»**؛ این فرمایش ایشان است.

عبارت مرحوم حکیم در اینجا خیلی صاف است. من دارم شاهد می‌آورم تا ببینید خود آن اجلّه این مطلب ما را به‌راحتی فرمودند. فرمودند:

> **لمطابقتها للواقع. وقد عرفت أن العلم بالوقت ليس شرطاً لها واقعاً شرعاً بل طاهراً عقلا[3]**

«لمطابقتها للواقع»؛ خب درست است که باید تحصیل یقین کند اما حال نکرد؛ ای غفلت کرد ای رجاءً انجام داد. خود مرحوم حکیم در حاشیه عروه فرمودند اگر به رجاء مطلوبیت هم به جا آورد ولو ای رجاءً انجام داد. خود مرحوم حکیم در حاشیه عروه فرمودند اگر به رجاء مطلوبیت هم به جا آورد ولو یقین ندارد اما بعداً مشخص شد که کل آن در وقت بود، کافی است. **«و قد عرفت أن العلم بالوقت ليس شرطاً لها واقعاً شرعاً بل طاهراً عقلا»**؛ شرط ظاهری است. یعنی برای این است که بتواند انجام بدهید. عقل می‌گوید تا علم ندارید انجام ندهید. البته در اینکه ظاهری صرف هست یا نیست، من نوشته‌ی کمرنگی را در اینجا دارم. شاید بتوانیم بگوییم **«بل شرط لامتثالها تدبیراً شرعیاً»**. این را کمرنگ نوشته‌ام. این همه از روایات داریم، این عنوان باب را در وسائل داریم، اگر صرف شرط ظاهری عقلی بود که اینها نمی‌آمد. آن هم با این محکمی!

---

[1] العروة الوثقی ج۲ ص۲۴

[2] همان

[3] مستمسك العروة الوثقى ج۵ص۱۵۴

بازبینی #1
ایجاد شده 30 مه 2026 15:45:17 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2026 15:48:39 توسط ... .